

نقش تربیتی خانواده‌های سنتی و مدرن بر پیشرفت تحصیلی فرزندان

This study Education parenting style, academic achievement of children in traditional and modern families.

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۲/۲؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۹۰/۴/۶؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۴/۱۹

S. M. Alavi Aala., (Ph.D
Student)

سید مرتضی علوی اعلای^۱

Abstract: was aimed at comparing academic achievement of children in traditional and modern families. The statistical population included 666 students. This study is a correlational research and data were collected using a questionnaire developed by the researchers. Results indicated that parenting styles could predict academic achievement. Specifically, modern parenting style was related to academic achievement of students whereas no relationship was found between other parenting styles and academic achievement.

Keywords: parenting style, academic achievement, traditional family, modern family

چکیده: هدف پژوهش حاضر مقایسه تربیتی خانواده‌های سنتی و مدرن در پیشرفت تحصیلی فرزندان آن‌ها است. جامعه آماری دانشجویان دانشگاه‌ها و دانش‌آموزان یک منطقه آموزش و پرورش شرق تهران بود که تعداد آن‌ها ۶۶۶ نفر بود. روش پژوهش از نوع همبستگی بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات از یک پرسشنامه محقق‌ساخته با تعداد ۴۱ پرسش استفاده شد. نتایج نشان داد که سبک‌های تربیتی می‌توانند پیشرفت تحصیلی را پیش‌بینی کنند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای سبک‌های تربیتی (سنتی، مدرن، ترکیبی) و پیشرفت تحصیلی همبستگی معنی‌داری وجود دارد. در عین حال، از بین این سه متغیر تنها بین سبک تربیتی مدرن و پیشرفت تحصیلی همبستگی معنی‌دار به دست آمد ($P < 0/05$). وظیفه فراگیران دانش در نظام تربیتی خانواده‌های سنتی که مقاومت در برابر هرگونه تغییرات و حفظ رفتار گذشتگان و پیشینیان می‌نمایند و به نوعی محدودیت برای فرزندان خود ایجاد نموده که نتیجه آن فقط حفظ مطالب و ذخیره‌سازی الفاظ، اطلاعات و آموخته‌ها است. در حالی که در نظام تربیتی خانواده‌های مدرن فراگیران دانش با به‌کارگیری سیستم‌های جدید آموزشی و دور از هرگونه محدودیت نسبت به موارد آموزشی و شرکت در کلاس‌های فوق برنامه به فعالیت می‌پردازند که همراه با مدیریت اطلاعات و اکتشاف می‌باشد.

کلید واژه‌ها: خانواده‌های سنتی، خانواده‌های مدرن، تربیت سنتی، تربیت مدرن و پیشرفت تحصیلی

مقدمه

در شیوه‌های آموزشی قدیم و جدید قصد همه آموزش‌دهندگان و مربیان اعم از خانواده‌ها تا معلم مدرسه و استاد دانشگاه بالا بردن کیفیت هر یک از عوامل بوده است، اما این سوال مطرح است که کدام‌یک از عوامل در روند آموزش و پرورش و پیشرفت تحصیلی فراگیران دانش کشور از مدرسه تا دانشگاه مؤثرترند؟ پیشرفت هر جامعه در گرو توان آموزشی آن جامعه است و کارایی هر نظام آموزشی را با عواملی که در آن نقش‌آفرینی می‌کنند و رهبری و مدیریت فراگیران دانش را برعهده دارند می‌سنجند. خانواده‌ها، مدیران، معلمان و استادان، برنامه‌ریزان آموزشی و درسی، همکلاسان، محیط آموزشی، ابزار و وسایل کمک آموزشی، عوامل اقتصادی، فرهنگی و غیره هر یک به‌نوعی در پیشرفت تحصیلی اثرگذارند. نخستین محیطی که فرزندان را تحت‌تأثیر رهبری و راهبردی، تفکرات و نوع تربیتی که از نظر فرهنگی، آموزشی و روابط اجتماعی خود، قرار می‌دهد خانواده است. هرچند، محیط خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است، اما برای کودکان و فرزندان در دوران اولیه زندگی بزرگ‌ترین محیط آموزش و تعلیم و تربیت محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، خمیرمایهٔ تربیتی فرزندان در رشد و بلوغ فکری و ظهور استعداد آن‌ها خانواده‌ها هستند. حال ممکن است این نوع تربیتی خانواده‌ها از طریق افکار و کردار سنتی باشد و یا مدرن و آگاهانه از علم و دانش روز. از طرفی، اکنون فناوری‌های علمی روزافزون گشته است و می‌رود تا محصور محصولات خود گردد. مایر (۱۳۷۴) معتقد است که برای حل مشکلات موجود جهانی سه راه‌حل وجود دارد: جنگ، انقلاب و تربیت. به اعتقاد وی جنگ کابوس تصورناپذیر است و انقلاب روش بیمناکانه، ولی تربیت به آرامی انسان را رو به تکامل می‌برد و او را متوجه امکانات خلاقانهٔ خود می‌کند. تربیت است که به انسان جهت می‌دهد و او را هدفمند می‌سازد و تربیت است که تنها داروی درد بشریت است.

نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در ایران مبتنی بر نظریه روان‌سنجی و البته رفتارگرایی است و الگوی مطلوب رفتارگرایان الگوی آموزشی-آزمون تا حصول اطمینان از تحقق هدف‌های آموزشی بود (شپارد، ۲۰۰۰). اما مطابق با دیدگاه نوین در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و مفهوم‌پردازی‌های جدید در این حوزه، مفاهیم سنتی ارزشیابی و روش‌های مربوط به آن از تعلیم و تربیت دست‌خوش دگرگونی‌ها و تحولات عمده‌ای شده است. شریعتمداری (۱۳۷۴) معتقد است که اگرچه ویژگی‌های تعلیم و تربیت سنتی، عدم توجه به تفاوت‌های فردی و خلاقیت افراد است، در تربیت مدرن و علمی بیشتر سعی بر شکوفا ساختن استعدادها است. اگر از تعاریف متعددی که برای تربیت وجود دارد بگذریم به‌طور کلی می‌توان تربیت را جریانی دانست که به‌طور مستمر در جهت رشد همه‌جانبه فرد اعم از جسمانی، شناختی، روانی، عاطفی، اجتماعی و دینی و شکوفا ساختن استعدادهای اوست. جان لاک (۱۹۴۷) فیلسوف انگلیسی قرن هفدهم معتقد بود که

انسان موجودی است دارای ذهن و سرشتی تهی از هر ویژگی، بنابراین در جواب این سوال که ذهن از کجا این همه مواد را برای استدلال و شناخت می‌آورد؟ او جواب می‌دهد از تجربه. از تجربه است که همه دانش‌ها سرچشمه می‌گیرند و از تجربه است که سرانجام دانش حاصل می‌شود. به نظر جان لاک محیط در پرورش و تربیت انسان نقش اساسی دارد و این نقش ابتدا از خانواده‌ها شکل می‌گیرد. عابدی (۱۳۸۴) در پژوهش خود در خصوص نقش ویژگی‌های خانواده در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان چنین بیان می‌کند که از بین عوامل خانوادگی مرتبط با انگیزش پیشرفت تحصیلی، انتظار والدین از موفقیت فرزندان ۲۸٪، شیوه فرزندپروری مقتدرانه ۲۶٪، تبیین‌کننده انگیزش پیشرفت تحصیلی هستند. رضوان خواه (۱۳۸۸) نتایج بدست آمده از کار پژوهشی خود را که در خصوص عملکردهای تربیتی والدین در نوجوانان بود حاکی از آن می‌داند که دختران در مقایسه با پسران از محبت و عملکرد بیشتر والدین برخوردارند. ولی در نگرش به بعد کنترل والدین تفاوت‌های جنسی معنی‌داری مشاهده نشد. چهار شیوه تربیتی (مقتدر، آزادگذاری، قدرت طلب و مسامحه‌کاری) در رابطه با مفهوم خود مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج حاصل از آن، گویای آن بود که نقش اقتدار والدین در ایجاد مفهوم خود در مقایسه با سه شیوه دیگر به مراتب بیشتر بود. شماعتی‌زاده (۱۳۸۷) در پژوهش خود نشان داد که حاصل آموزش منظم به والدین در پیشرفت تحصیلی فرزندان تأثیر مثبت دارد. رشوانلو (۱۳۸۷) یافته‌های پژوهش خود را چنین بیان می‌کند که تأثیر مستقیم حمایت از گرمی والدین و انگیزش خودمختار تحصیلی بر پیشرفت تحصیلی معنادار بود، و درگیری والدین با فرزندان تأثیر مستقیم و معناداری بر پیشرفت تحصیلی نداشت که از میان این متغیرها، انگیزش خود مختار تحصیلی بیشترین اثر مستقیم را بر پیشرفت تحصیلی داشت. امین زاده (۱۳۸۳) نتیجه پژوهش خود را حاکی از آن می‌داند که مقدار تکلیف انجام شده در خارج از مدرسه با پیشرفت تحصیلی رابطه معنی‌داری دارد. نتیجه بیان‌کننده آن است که نظارت و تشویق همراه با آگاهی والدین در این میان دخالت زیادی داشته است. فعالیت‌های فوق برنامه خارج از مدرسه از طریق رابطه انحنایی تغییرات پیشرفت تحصیلی را تبیین کرده‌اند، یعنی موجب ارتقاء سطح پیشرفت تحصیلی شده است. نتایج بدست آمده از پژوهش آزاد ارمکی، (۱۳۸۶) نشان داده است که ۱- در ایران سالخورده‌گان، کم سوادان و فقیران بیشتر از جوانان دانشگاهی و ثروتمندان به آموزه‌های سنتی خانواده پایبندند و تجانس بیشتری در این خصوص دارند. ۲- در چالش بین سنت و مدرنیته در ایران ماندگاری عناصر سنتی در عرصه دین بیشتر از عرصه خانواده است. ۳- در سطح کلان بین تجانس فرهنگی در حوزه عناصر سنتی و سطح توسعه انسانی کشورها رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛ یعنی در فرآیند مدرنیته تجانس فرهنگی جای خود را به تشمت آراء در حوزه عناصر سنتی

نقش تربیتی خانواده‌های سنتی و مدرن بر پیشرفت تحصیلی فرزندان

فرهنگ می‌دهد. امروزه فراگیران دانش در محیط و جامعه‌ای پرورش می‌یابند که ابعاد فناوری با جامعه‌ای که والدین و اجداد آن‌ها در آن پرورش یافته‌اند بسیار متفاوت است، اگر قرار باشد فراگیران دانش برای مشاغل آینده به خوبی پرورش یابند، باید فناوری بخش عمده‌ای از مدرسه و کلاس درس باشد (اپریل، ۲۰۰۲). شکی وجود ندارد که تعلیم و تربیت مدرن بود که جوامع سنتی را از هم پاشید و راه‌کارهای نوینی را به ارمغان آورد؛ نه این که اهداف در تعلیم و تربیت سنتی نادیده گرفته شد، بلکه اهداف با دست‌آوردهای جدید علمی معاصر پیگیری شد، یعنی بازسازی کردن بنای فرسوده قدیمی که دور از طرح و برنامه و نقشه و مصالح سودمند و ساختار عقلی بدون علم بود، با تفکر و تأملات علمی معاصر که عقل را تأیید می‌کند به کار گرفته شد و به آن دوام بخشید (عبادی، ۱۳۸۳). قرن حاضر، تغییر از جامعه صنعتی به جامعه فراصنعتی یا جامعه اطلاعاتی است. اطلاعات و دانش، اساسی‌ترین دانایی انسان‌های جوامع و ملت‌ها به‌شمار می‌آید. اگر فرهنگ یادگیری - یاددهی در نظام آموزشی تحول نپذیرد نه تنها فناوری اطلاعات و ارتباطات ایجاد تحول نخواهد کرد بلکه به تقویت سنت‌های محافظه‌کارانه آموزش خواهد انجامید، زیرا این فناوری اطلاعات نیست که به تنهایی ایجاد تغییر می‌کند بلکه انسان‌ها (خانواده‌ها) عامل اصلی تحولند و نیروی انسانی مهم‌ترین اشاعه و گسترش‌دهنده فناوری اطلاعات است (گری، ۲۰۰۱).

افشاری کهن (۱۳۸۳) در کتاب سنت‌گرایی و تجددطلبی در ایران بیان می‌کند که تجدد مسأله - ای است که از حدود یکصد و پنجاه سال پیش تاکنون هم‌چنان مسأله ایرانیان است. ضرورت نگرستن به آن از منظر علوم تربیتی و جامعه‌شناسی یعنی لحاظ کردن آن به‌عنوان یک معضل اجتماعی از همین جا برمی‌خیزد. گستردگی اظهارنظرها، مقالات و کتب پیرامون این مسأله علاوه بر آن ناشی از وجوه گوناگون موضوع مدرن و نوگرایی (مدرن) و سنت است. لذا اگر بپذیریم که شکاف نوگرایی (مدرن) و سنت یک شکاف تاریخی و فعال در جامعه ایران است، ضرورت دارد این مقولات مورد بررسی قرار گیرند. آن‌چه که دانشمندان تعلیم و تربیت به آن رسیده‌اند این است که در رویکرد آموزش و تربیت سنتی تلاش برای سواد کلاسیک و محدود باعث می‌شود خلاقیت فکر و مدیریت کاهش نیافته و آموزش‌گیرنده برای انجام فعالیت‌های معمول اداری و صنعتی تربیت شود. رویکرد آموزش و تربیت سنتی به دنبال ساختن یک محیط مجرد و نگاه آن به آموزش فردی است. در حالی که آموزش و تربیت مدرن سعی در ساختن یک محیط گسترده و تربیت اجتماعی فراگیران دانش است (فتسکوومک کلر، ۲۰۰۵). فراگیران دانش نیاز دارند با فعالیت‌هایی درگیر شوند که دانسته‌های خود را بیافرینند یا سازماندهی کنند، آموزشیاران باید فرصت‌هایی برای آموزندگان فراهم نمایند که با همدیگر و با بزرگسالان و دیگر همسالان خود برای ساختن دانسته‌ها تعامل کنند. آموزش حل مسأله با بزرگسالان و داربست

سازی^۱ و آموزش‌های گروهی مانند هم‌آموزی از راهبردهای دانش‌آموز - محور هستند. شکر و فیشر (۲۰۰۴) نیز در پژوهش خود بر افزایش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارای موفقیت تحصیلی پایین و متوسط درهم آموزی و تعاملی دست یافته‌اند. در نظام آموزشی سنتی محتوای درس کمکی، فراگیران دانش را مجبور به پذیرفتن یک فضای انتخابی محدود می‌کند، در حالی- که این عامل در نظام آموزشی مدرن، تحقیقاتی و پژوهشی، کیفی، نامحدود و متنوع است. یافته- های پژوهش جعفری کوخالو (۱۳۸۷) حاکی از آن است که درهم‌آموزی یعنی فراگیری تعلیم و تربیت به‌صورت نوین، درهم آموزان را نسبت به دانش‌آموزان در روش سنتی پشتیبانی می‌کند ولی از نظر دستاوردهای عاطفی تفاوتی میان دو گروه دیده نشد. یافته‌ها همچنین گویای برتری گروه هم‌آموزی (روش مدرن) در کارکردهای شناختی (پیشرفت تحصیلی) بالا در مقایسه با گروه دیگر با روش سنتی هستند. رستمی نژاد (۱۳۸۴) و آصفی آملشی (۱۳۸۳) نیز در مقایسه روش- های هم‌آموزی (مدرن) با سایر روش‌های آموزشی (سنتی) بر افزایش پیشرفت تحصیلی در روش نوین تأکید کردند.

پژوهش‌های چندانی درباره سودمندی روش مدرن در کارکردهای متفاوت پیشرفت تحصیلی انجام نشده است. لوکاس و مورفی (۲۰۰۷) نتایج کار پژوهشی خود را چنین نشان دادند که دانش‌آموزان با میانگین سنی ۱۴-۱۰ سال در زمینه انسجام و وحدت بین دانش‌آموزان نسبت به تعارض و رقابت بین دانش‌آموزان بالاترین پیش‌بینی‌کننده سلامت روانی و پیشرفت تحصیلی آنان می‌باشد. تحقیقات بسیاری نشان داده‌اند که سبک‌های یادگیری و یاددهی در تعلیم و تربیت می‌توانند وضعیت تحصیلی را پیش‌بینی کنند و از عوامل موثر و تبیین‌کننده‌های اصلی موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان و فراگیران دانش هستند و این امر مستلزم آن است که سبک‌های تعلیم و تربیت و یادگیری آن‌ها را شناسایی کرده و بدانیم که برای هر سبک به چه نوع محتوا و روشی نیاز داریم (آرتورس، ۲۰۰۷؛ هاو و شاه، ۲۰۰۷؛ پترسون و همکاران، ۲۰۰۹). هم‌چنین در این زمینه مطالعات زیادی نیز به ارتباط بین سبک‌های یادگیری و یاددهی (تعلیم و تربیت) و عملکرد (پیشرفت تحصیلی) دانش‌آموزان در درس‌ها اشاره کرده‌اند (پیکر و میراسی دیگلو ۲۰۰۸؛ آرسن و همکاران، ۲۰۰۹؛ ارتکین و همکاران، ۲۰۰۹). گری و رز (۲۰۰۶) در نتایج پژوهشی خود علاوه بر رضایت شغلی، مستقیماً از رهبری تحولی که در پیشرفت تحصیلی اثر معناداری دارد را بیان می‌نمایند.

1. Scaffolding

فرضیه پژوهش

سبک‌های تربیتی می‌توانند پیشرفت تحصیلی را پیش‌بینی کنند.

روش پژوهش

با توجه به محتوای پژوهش و فرضیه مطرح شده، پژوهش حاضر بر مبنای مفروضه تحقیقات همبستگی است که برای جمع‌آوری اطلاعات نیز پرسشنامه محقق‌ساخته به‌صورت میدانی روی نمونه‌هایی که به‌صورت تصادفی انتخاب شده بودند اجرا گردید.

جامعه آماری

جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر منطقه ۸ تهران و دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های شهرهای تهران، بومهن، پردیس و رودهن در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ بود که به صورت تصادفی از کل دانش‌آموزان منطقه ۸ و دانشجویان دانشگاه‌ها یک نمونه ۶۶۶ نفری انتخاب شدند، و پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش و ناقص کل نمونه به ۶۶۳ نفر رسید (۲۶۵ دختر و ۳۹۸ پسر).

ابزار اندازه‌گیری

برای بررسی نقش تربیتی خانواده‌های سنتی و مدرن در پیشرفت تحصیلی فرزندان آن‌ها از یک پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد. این پرسشنامه حاوی ۴۱ سوال چهارگزینه‌ای با طیف لیکرت (همیشه، غالباً، گاهی و هیچ‌وقت) بود. برای به‌دست آوردن اعتبار پرسشنامه از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) استفاده شد به این صورت که ابتدا پرسشنامه در یک نمونه ۵۰ نفری از گروه نمونه که به‌صورت تصادفی انتخاب شده بودند اجرا گردید و ضریب اعتبار محاسبه شده ۰/۷۶۷ به‌دست آمد که نشانگر ضریب اعتبار قابل قبولی برای پرسشنامه است. ملاک تعیین پیشرفت تحصیلی عبارت بود از معدل کل ترم‌های گذشته دانش‌آموزان و دانشجویان در زمان اجرای تحقیق.

جدول ۱. خلاصه شاخص‌های آماری مربوط به نمره‌های آزمودنی‌ها در سبک‌های تربیتی و معدل

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
مدرن	۳۹/۰۱	۸/۱۱۰	-۲۱۲	-۰/۴۳۴	۱۶	۶۱
سنتی	۲۹/۲۷	۶/۲۶۶	۰/۶۷۸	۰/۳۰۶	۱۷	۵۵
ترکیبی	۲۳/۸۴	۵/۵۰۵	۰/۲۴۲	-۰/۴۴۵	۱۰	۴۰
معدل (پیشرفت تحصیلی)	۱۵/۷۲	۳/۱۶۵	-۰/۱۵۷	-۰/۲۰۳	۱۰	۲۰

براساس اطلاعات جدول بالا در خصوص توزیع نمره‌های آزمودنی‌های مورد مطالعه در سبک‌های تربیتی و پیشرفت تحصیلی (معدل) شاخص‌های مختلف توصیفی اعم از میانگین، انحراف معیار، شاخص‌های کجی، کشیدگی، مقادیر حداقل و حداکثر آن‌ها نشان می‌دهد که توزیع نمره‌های گروه نمونه به توزیع نرمال میل دارند. گذشته از این نتیجه مقیاس‌های اندازه-گیری متغیرهای پیش‌بینی و ملاک از نوع فاصله‌ای و در نتیجه داده‌های جمع‌آوری شده از نوع کمی هستند و در عین حال بر پایه قضیه حد مرکزی می‌توان به‌منظور آزمون فرضیه تحقیق از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

یافته‌ها

در خصوص آزمون فرضیه تحقیق، با توجه به تعداد و نوع متغیرهای پیش‌بین (سه متغیر و از نوع کمی) و متغیر وابسته پیشرفت تحصیلی (از نوع کمی) از روش تحلیل رگرسیون ساده استفاده شد. براساس مدل رگرسیون، به‌منظور شناسایی و تعیین سهم هرکدام از متغیرهای پیش‌بین (مستقل) در پیش‌بینی متغیر ملاک (وابسته) ترکیب خطی متغیرهای پیش‌بین برای پیش‌بینی متغیر وابسته به‌کار می‌رود. بنابراین اگر بخواهیم اطلاعات بیشتری درباره رابطه و شدت رابطه بین دو یا چند متغیر داشته باشیم و نیز بدانیم به ازای تغییرات در متغیرهای مستقل چه مقدار به متغیر وابسته افزوده و یا از آن کاسته می‌شود، از تحلیل رگرسیون استفاده شد. تحلیل رگرسیون رابطه تنگاتنگی با ضریب همبستگی بین متغیرهای نمودار پراکندگی و خط رگرسیون دارد. در این جا براساس ترکیب خطی سه متغیر مربوط به سبک‌های تربیتی به پیش‌بینی متغیر وابسته (پیشرفت تحصیلی) اقدام شد. شرح تفصیلی محاسبات آماری در زیر ارائه شده است:

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصد آزمودنی‌ها به تفکیک جنس

جنس	فراوانی	درصد
زن	۲۶۵	۳۹/۸
مرد	۳۹۸	۵۹/۷
بدون پاسخ	۳	۰/۵
جمع	۶۶۶	۱۰۰/۰

همان‌طور که در جدول بالا ملاحظه می‌شود بیش از یک سوم از آزمودنی‌های مورد مطالعه را زنان و بیش از نیمی از آزمودنی‌ها را مردان تشکیل می‌دهند.

جدول ۳. تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی براساس

متغیرهای سبک‌های تربیتی

کارکرد خانواده				پیش‌بینی کننده‌ها
سطح معنی داری	T	ضرایب استاندارد شده بتا	ضرایب استاندارد نشده	
* / ۰۰۰۰	۲۷/۳۵۰		۱۴/۹۰۱	عدد ثابت
* / ۰۰۱	۳/۲۵۳	۰/۱۶۹	۰/۰۳۷	مدرن
۰/۷۴۸	۰/۳۲۲	۰/۰۱۳	-۰/۰۰۴	سنتی
۰/۱۸۰	-۱/۳۴۱	۰/۰۶۸	-۰/۰۲۲	ترکیبی
	R=0/140	R ² =0/020 تعدیل شده	R ² =0/015, F=4/297	**

**معنی دار در سطح ۰/۰۱

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود مقدار $R^2=0/020$ بدین معنی است که نزدیک به ۲ درصد از واریانس مؤلفه حل مسأله توسط سه متغیر سبک‌های تربیتی تبیین شده است. به عبارت دیگر، ۲ درصد از پراکندگی مشاهده شده در پیشرفت تحصیلی توسط این سه متغیر توجیه می‌شود. مقدار R مشاهده شده (۰/۱۴۰) نیز نشان می‌دهد که مدل رگرسیون خطی حاضر می‌تواند برای پیش‌بینی استفاده شود. علاوه بر این، نسبت F محاسبه شده (۴/۲۹۷) در سطح اطمینان حداقل ۹۹ درصد معنی دار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای سبک‌های تربیتی و پیشرفت تحصیلی همبستگی معنی داری وجود دارد. با در نظر گرفتن اطلاعات جدول بالا می‌توان قضاوت کرد که از بین سه متغیر، تنها متغیر سبک تربیتی مدرن با ضریب بتای ۰/۱۶۹ و با مراجعه به آماره t و سطوح معنی داری همبستگی مثبت و معنی دار با سطح پیشرفت تحصیلی دارد (در سطح ۰/۰۱) و می‌تواند پیش‌بینی کننده سطح پیشرفت تحصیلی گروه نمونه باشد. علاوه بر این، با توجه به جهت همبستگی این دو متغیر با پیشرفت تحصیلی می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش یک واحد در این متغیر، متغیر پیشرفت تحصیلی ۰/۱۶۹ واحد افزایش می‌یابد. در نهایت، با توجه به این توضیحات و ضریب به دست آمده می‌توان معادله رگرسیون را بر اساس ضریب رگرسیون استاندارد شده (ستون بتا) به صورت زیر تدوین کرد:

$$R = 14/901 + 0/169 \text{ (پیشرفت تحصیلی).}$$

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شده است که نقش تربیتی خانواده‌هایی که با روش سنتی و یا مدرن در تعلیم و تربیت به جهت پیشرفت تحصیلی با فرزندان خود رفتار و اعمال می‌کنند بررسی و مقایسه شود. با توجه به چارچوب نظری پژوهش، بر اهمیت نقش فعال خانواده‌های آگاه به روند پیشبرد تحصیلی فرزندان و آشنایی با ابزار جدید کمک آموزشی و یادگیری به دور از هرگونه تعصب و البته با حفظ ارزش‌های هنجاری اخلاقی - اجتماعی که ریشه در سنت دارد و از طرفی بر نقش فعال فرزندان و تعاملات اجتماعی آنان در آموزش تأکید می‌نماید، انتظار بر آن می‌رفت که خانواده‌هایی که با روش مدرن و با علم روز در تعلیم و تربیت فرزندان خود به‌کار می‌برند از نظر کارکردهای عینی - شناختی و رفتاری برتر و موفق‌تر از فرزندان خانواده‌هایی باشند که با روش سنتی و به ارث مانده از گذشتگان و پیشینیان در تعلیم و تربیت فرزندان خود نقش دارند. بازنگری یافته‌های پژوهش حاضر در این زمینه نیز این نتیجه را تأیید کرد. فرضیه این پژوهش بیانگر این بود که سبک‌های تربیتی می‌توانند پیشرفت تحصیلی را پیش‌بینی کنند، و این نتیجه حاصل شد و تأیید گردید که سبک تربیتی مدرن یعنی آگاهی خانواده‌ها از کاربرد علم و دانش روز و با تعامل و همکاری با پیشرفت تحصیلی فرزندان همبستگی معناداری وجود دارد. البته عوامل بسیاری وجود دارند که در پیشرفت یا افت تحصیلی فراگیران دانش نقش‌آفرینی می‌کنند، که پژوهشگر برخی از آن‌ها را کنترل نموده است. اما مهم‌ترین محیطی که خمیر مایه کودک و فرزندان در آن‌جا شکل می‌گیرد و فرهنگ اخلاقی اجتماعی و باتربیت خاصی رشد می‌کنند محیط خانواده است. والدین هم نقش مدیریتی و رهبری را در خانواده ایفا می‌کنند و این بر رشد و بلوغ فکری و ظهور استعداد فرزندان اثرگذار می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش عابدی (۱۳۸۴) که در مورد نقش ویژگی‌های خانواده در پیشرفت تحصیلی فرزندان بوده است همسو می‌باشد. زیرا در آن پژوهش شیوه‌های فرزندپروری (انتظار والدین از موفقیت فرزندان، مقتدرانه، ساخت خانواده‌های مدرن طبیعی)، ایجاد نگرش در پیشرفت تحصیلی را تبیین نموده است. در این مورد نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهشی رضوانخواه (۱۳۸۸) و رشوانلو (۱۳۸۷) که نتیجه گرفته‌اند حمایت و گرمی والدین یعنی تعامل و همکاری داشتن خانواده‌ها با فرزندان و ایجاد انگیزش خودمختاری، فرزندان را در پیشرفت تحصیلی اثربخش کمک می‌کند، همسو می‌باشد. هرچند دختران بیشتر از پسران در خانواده‌ها از محبت والدین برخوردارند. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهشی آزاد ارمکی (۱۳۸۶) نیز که در مورد بررسی تحلیلی ارزش‌های سنتی و مدرن در سطح نوجوانان و جوانان و سالخوردگان بوده است، همسو است. ایشان بیان می‌کند که در ایران سالخوردگان، کم‌سوادان، و فقیران بیشتر از جوانان دانشگاهی و ثروتمندان

نقش تربیتی خانواده‌های سنتی و مدرن بر پیشرفت تحصیلی فرزندان

پاییند به آموزه‌های تربیتی خانواده‌های سنتی هستند و در چالش بین سنت و مدرنیته در ایران ماندگاری عناصر سنتی در عرصه دین بیشتر از عرصه خانواده‌ها است. به عبارت دیگر، چنین تبیین می‌شود که جوانان امروز از طریق ارتباط با رسانه‌های آموزشی و الکترونیکی و هماهنگی با خانواده‌ها با روش مدرن در پیشرفت تحصیلی، موفق‌تر از خانواده‌هایی هستند که به روش سنتی عمل می‌کنند. نتایج پژوهش شمعی‌زاده (۱۳۸۷) گویای آن است که حاصل آموزش منظم به والدین در پیشرفت تحصیلی فرزندان تأثیر مثبت دارد؛ یعنی آگاه بودن و اطلاع داشتن والدین نسبت به متدهای جدید علمی و روش‌های جدید تربیتی با پیشرفت تحصیلی فرزندان رابطه معناداری دارد و این نتیجه با پژوهش حاضر همسو است. از طرفی تحقیق ایشان، فضای تربیتی خانواده‌ها را از نظر معیار و ارزش‌هایی که والدین در خانه برقرار می‌کنند و برداشت آن‌ها را از مدرسه، مهم‌ترین عامل پیشرفت تحصیلی می‌داند. به نظر پژوهشگر تعلیم تربیت مدرن بود که جوامع سنتی را از هم پاشید و راه کارهای نوینی را به ارمان آورد نه این که اهداف در تعلیم و تربیت سنتی نادیده گرفته شد بلکه هدف‌ها در تعلیم و تربیت با دستاوردهای جدید علمی و معاصر پیگیری شد، یعنی بازسازی کردن بنای فرسوده قدیمی که دور از طرح و برنامه و نقشه و مصالح سودمند و ساختار عقلی بدون علم بود. گری (۲۰۰۱) معتقد است که فناوری اطلاعات نیست که به تنهایی ایجاد تغییر می‌کند بلکه انسان‌ها عامل اصلی تحول‌اند و نیروی انسانی مهم-ترین اشاعه و گسترش‌دهنده فناوری اطلاعات است. یافته‌های پژوهش‌های فستکو و مک کلر (۲۰۰۵) و شکر و فیشر (۲۰۰۴) فرضیه پژوهش حاضر را تایید می‌کنند. آن‌ها در نتایج پژوهش خود دریافته‌اند که افزایش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، درهم‌آموزی و تعاملی است. زیرا در نظام آموزشی سنتی، محتوای درس کمکی، فراگیران دانش را مجبور به پذیرفتن یک فضای انتخابی محدود می‌کند. در حالی که این عامل در نظام آموزشی مدرن، تحقیقاتی و پژوهشی، نامحدود و متنوع است. از طرفی فراگیران دانش نیاز دارند با آموخته‌ها درگیر شوند و از قوه به فعل برسند. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های جعفری کوخالو (۱۳۸۷)، رستمی نژاد (۱۳۸۴) و آصفی املشی (۱۳۸۳) همسو است. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند، دانش‌آموزانی که به صورت نوین در فراگیری تعلیم و تربیت از همدیگر پشتیبانی می‌کنند نسبت به دانش‌آموزانی که به روش سنتی عمل می‌کنند در پیشرفت تحصیلی موفق‌ترند، ولی از نظر عاطفی تفاوتی میان آن‌ها دیده نشد. همچنین در نتایج خود روش‌های تعامل و همکاری هم‌آموزی (روش مدرن) با سایر روش‌های آموزشی (سنتی) در پیشرفت تحصیلی را تأکید می‌کنند. لوکاس و مورفی (۲۰۰۷) در یافته‌های کار پژوهشی خود نشان دادند که انسجام و وحدت بین دانش‌آموزان، نسبت به تعارض و رقابت بین آنان بالاترین پیش‌بینی‌کننده سلامت روانی و پیشرفت تحصیلی آنان می‌باشد، که با یافته‌های جعفری کوخالو و رستمی نژاد همسو می‌باشند و تأییدکننده

پژوهش حاضر است. تحقیقات بسیاری نشان داده‌اند که سبک‌های تربیتی یادگیری و یاددهی در تعلیم و تربیت می‌توانند وضعیت تحصیلی فرزندان را پیش‌بینی کنند چه از طریق خانواده‌ها باشد و چه از طریق مربیان و دست‌اندرکاران آموزشی. به‌نظر پژوهشگران (آرتورس، ۲۰۰۷؛ هاوک و شاه، ۲۰۰۷؛ پترسون و همکاران، ۲۰۰۹)، آن‌چه مهم است شناسایی سبک‌ها و روش یاددهی و یادگیری فرزندان و دانش‌آموزان است، که بدانیم برای هر یک به چه نوع محتوای درسی و روشی نیاز داریم. همچنین در زمینه ارتباط سبک‌های تربیتی و یاددهی-یادگیری (تعلیم و تربیت) و عملکرد (پیشرفت تحصیلی) دانش‌آموزان در درس‌ها اشاره نموده و تأکید کرده‌اند. پیکر و میراسی دیگلو (۲۰۰۸)، ارسلون و همکاران (۲۰۰۹)، آرتیکن و همکاران (۲۰۰۹) نیز در نتایج یافته‌های پژوهشی خود نتایج مطالعات آرتورس، هاوک و شاه، و پترسون و همکاران را تأیید می‌کنند. همه این یافته‌ها با نتایج پژوهش حاضر همسو می‌باشند. گری و رز (۲۰۰۶) در نتایج پژوهشی خود علاوه بر رضایت شغلی، مستقیماً از رهبری و مدیریت تحولی که بر پیشرفت تحصیلی اثر معناداری را نشان می‌دهد، تأکید می‌نمایند.

منابع

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۴). بررسی رابطه انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان با ویژگی‌های خانواده آنان. *فصلنامه خانواده‌پژوهشی*، سال اول، شماره ۲.

آصفی املشی، رحیم (۱۳۸۳). تأثیر استفاده از طرح آموزش از طریق همیاری، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه کشور. تهران، معاونت آموزش و پرورش نظری و مهارتی وزارت آموزش و پرورش.

افشاری کهن، جواد (۱۳۸۳). *سنت‌گرایی و تجددطلبی در ایران*. چاپ اول، ص ۱۹.

امین زاده، انوشه (۱۳۸۷). مقایسه سودمندی روش‌های آموزشی نوین (هم‌آموزی) و سنتی (سخنرانی)، از نظر دستاوردهای شناختی (پیشرفت تحصیلی) عاطفی و رفتاری دانش‌آموزان تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی.

جعفری کوخالو، رقیه (۱۳۸۷). مقایسه سودمندی روش‌های آموزشی نوین (هم‌آموزی) و سنتی (سخنرانی) از نظر دستاوردهای شناختی (پیشرفت تحصیلی) عاطفی و رفتاری دانش‌آموزان تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی ارشد روانشناسی تربیتی.

رستمی نژاد، محمدعلی (۱۳۸۳). مقایسه یادگیری مبنایی بر روش یادگیری انفرادی با یادگیری در گروه‌های کوچک دانش‌آموزان سال دوم رشته حسابداری هنرستان کار دانش شهر ورامین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تکنولوژی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبایی.

شریعتمداری، علی (۱۳۷۴). *تاریخ اندیشه‌های تربیتی*. تهران: انتشارات سمت.

شماعی زاده، پروین (۱۳۸۷). مقایسه تعلیم و تربیت مدرن و سنتی. *مجله دانش و پژوهش در علوم تربیتی*، شماره‌های ۱۷ و ۱۸، صص ۱۸۶-۱۶۵.

نقش تربیتی خانواده‌های سنتی و مدرن بر پیشرفت تحصیلی فرزندان

عابدی، احمد (۱۳۸۴). بررسی رابطه انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان با ویژگی‌های خانواده آنان. *فصلنامه خانواده‌پژوهشی*، سال اول، شماره ۲.

عابدی، رضا (۱۳۸۳). *فناوری اطلاعات در آموزش و پرورش*. تهران: انتشارات مؤسسه توسعه فناوری مدارس هوشمند.

گری، د. (۲۰۰۱). *اینترنت در مدرسه*. ترجمه مریم ناخدا، تهران: مؤسسه فناوری مدارس هوشمند.
مایر، فردریک (۱۳۷۳). *تاریخ اندیشه‌های تربیتی*. ترجمه فیاض، تهران: انتشارات سمت.

Arslan, C.; Gocmencelebi, S. I. & TaPan, M. S. (2009). Learning and reasoning styles of pre-service teachers: Inductive or deductive reasoning on science and mathematics related to their learning style. *Social and Behavioral Sciences*, 1, pp. 2460-2456.

Arthurs, J. B. (2007). A juggling act in the classroom: Managing different learning styles. *Teaching and Learning in Nursing*, 2, pp. 2-7.

Earle, R. S. (2002). The integration of instructional technology. *Public Education Technology*, p. 42.

Fetsco, T. & Clure, J. (2005). *Educational psychology*. New York: Allyn and Bcom

Volfulk, A. (2001). *Educational psychology*. Boston: Allyn and Bacon.

John, L. (1974). *An essay concerning human understanding education*. New York: Raymond Willburn, p. 8.

Gray, P. & Ross, J.A. (2006b). Transformational leadership and teacher commitment to organizational values: The mediating effects of collective teacher efficacy. *School Effectiveness and School Improvement*, 17(2), pp. 179-199.

Gray, P. & Ross, J.A. (2006a). School leadership and student achievement: The mediating effects of teacher beliefs. *Canadian journal of Education*, 29(3), pp. 798-822.

Howk, T.F. & Shah, A. J. (2007). Using learning style instruments to enhance student learning decision. *Journal of Innovative Education*, 5(1), pp.1-17.

Lucos, A. & Murphy, J. (2007). Middle school student perceptions of school climate: Examining protective function on subsequent adjustment problems. *Journal of school Psychology*, Vol. 44, p. 6.

Peker, M. & Mirasyedioglu, S. (2008). Pre-service elementary school teacher's learning style and attitudes towards mathematics. *Science and Technology Education*, No. 1, pp. 21-26.

Peterson, E.R.; Raner, S. & Armstrong, S. (2009). Researching the psychology of cognitive style and learning style is there really of future? *Earning and Individual Differences*, 19, pp. 518-523.

Shepard, L. A. (2000). The role of classroom assessment in teaching and learning center for study of evaluation, standards and student testing. Ph.D. Thesis, University of California at Los Angles.

Sahchar, H. & Fischer, S. (2004). Cooperative learning and the achievement of motivation and perceptions in 11th grade chemistry classes. *Learning and Instruction*, 11, pp. 12-27.